

تأملی بر مختصات آرمان شهر اقتصادی (زیست مادی) بر مبنای علم اشتدادی در نظرگاه ملاصدرا^۱

رضوانه قاطع^۲، جعفر شانظری^۳، مهدی گنجور^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۳۰)

چکیده

آرمان شهر یا اتوپییای اقتصادی در حکمت متعالیه حاکی از مدینه‌ای است که به نحو اتم کمالات نشئه جسمانی نفوس در آن محقق باشد. نوشتار حاضر ابتدا با ترسیم «نظریه علم اشتدادی» به عنوان مبنایی معرفت شناختی مبتنی بر اصول حکمی چون تناظر انسان با مراتب هستی، تناظر مراتب هستی با علم، نسبت انسان با حقیقت و روش تأویل محور، نگرشی بدیع از علم در حکمت متعالیه ارائه می‌دهد و با عنایت به آن مختصات اتوپییای اقتصادی را ترسیم می‌نماید. بالاترین مرتبه در سلسله علم اشتدادی متعلق به نبی است که به عنوان زعیم، بیشترین احاطه وجودی را بر مدینه دارد و بر اساس منطق وحیانی و عدالت توزیعی با زیربنای معرفتی مدینه را به حد اعلی تکاملی می‌رساند و پس از نبی، مقربان به او عهده‌دار این امور هستند. ترسیم اتوپییای اقتصادی بر اساس مختصات علم اشتدادی، برآیندهایی نظیر «بهره‌مندی از امکانات مادی»، «توسعه سرمایه انسانی»، «اشتغال متناسب با ظرفیت‌های هر مرتبه وجودی»، «رضایت شغلی»، «ثبات اقتصادی»، «گسترش رفاه اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» را به دست می‌دهد. از موانع تحقق اتوپییای اقتصادی می‌توان به «انباشت ثروت»، «گسترش فقر»، «وابستگی به امور مادی» اشاره نمود که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: آرمان شهر اقتصادی، حقیقت، علم اشتدادی، عقل معاش، ملاصدرا.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان «تأثیر علم وجودی اشتدادی بر نبوت پژوهی در

فلسفه ملاصدرا و پیامدهای آن» با راهنمایی دکتر جعفر شانظری است.

۲. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛

Email: Rezvaneh.ghate@gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: j.shanazari@ltr.ui.ac.ir

۴. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛

Email: m.ganjvar@ltr.ui.ac.ir

۱. مقدمه

مطرح شدن تئوری علم اشتدادی رویکردی نوین به فلسفه علم براساس نظرگاه ملاصدرا است که سرشت علم را منحصر در تجربه‌گرایی نمی‌داند و همه مسائل را در التذاذ دنیای مادی خلاصه نمی‌کند. این آغاز نگاه معرفت‌شناسانه عمیقی است که بهره‌وری مادی را با توجیهی متفاوت‌تر نسبت به دیدگاه‌های ماتریالیستی و مادی انگارانه در نظام‌های اقتصادی کنونی بیان می‌کند و از این جهت به دیدگاه‌های فراماتریالیست یا جنبش‌های نوپدید معنویت‌گرا در عرصه اقتصاد شباهت بیشتری دارد؛ چراکه از اهداف غایی این نظام‌ها روی آوردن به نیازهای روحانی در جامعه مانند رشد قابلیت‌های فردی، برخورداری از محیط زیست بهتر و برخورداری از فرآورده‌های معنوی در درون جامعه است. این جوامع نوع خاصی از فعالیت اقتصادی را مد نظر دارند که صرفاً هدف آن کسب درآمد و تامین نیازهای اولیه زندگی نیست، بلکه بیشتر بر نیازهای فکری و علائق فردی انسان‌ها در جریان فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارند (Ingleheart, 38 & 996).

روای دست‌یابی به اتوپیا یا مدینه فاضله از دیرباز برای متفکران مطرح بوده است؛ چنان‌که افلاطون حکومت براساس دانش و عدالت را اتوپیا دانسته (افلاطون، ۴۸۴) یا فارابی تعاون اجتماعی را که منجر به تحقق سعادت شود به عنوان اتوپیا معرفی کرده است (فارابی، ۱۱۸). اتوپیا دارای ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. برای ترسیم اتوپیای اقتصادی منطبق با نظرگاه ملاصدرا باید گفت که انسان با سعه وجودی و دست‌یابی به کمالات به مراتب متعالیه معرفتی نائل می‌آید. در این مسیر طیف وسیعی از نفوس انسانی در مرتبه حسی، خیالی و عقلی قرار دارند. بالاترین مرتبه، انسان کامل است که با گذر از ظواهر هستی به بواطن (روش تاویلی) و به جهت کمالات وجودی مدینه را به بهترین وجه اداره می‌کند. از این‌رو روش تأویل محور در ترسیم اتوپیای اقتصادی کمک شایانی می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه علم اشتدادی پژوهش‌هایی به انجام رسیده که از آن میان می‌توان به (بیدهندی، ۱۳۹۳) و (هاشم‌پور و بیدهندی، ۱۳۹۹) اشاره کرد که به بیان برخی ابعاد یا به صورت تطبیقی از مبحث شناخت در نظرگاه ملاصدرا پرداخته شده است. در مورد آرمان‌شهر نیز پژوهش‌هایی به فراخور تحلیل بنیان‌های اجتماع صورت گرفته است؛

مانند (سعدی، ۱۳۸۹). همچنین در مورد کاربرد مبانی هستی شناسانه‌ی آرمان شهر، می‌توان به پژوهش (ایواتلو، ۱۳۹۸) اشاره کرد که البته خلأ جنبه اپیستمولوژیک در این پژوهش‌ها به چشم می‌خورد. بر اساس مبانی انسان‌شناسانه نیز به بررسی مدینه فاضله پرداخته‌اند، مانند (هاشمی و شریفی، ۱۳۹۷). همچنین در مورد مبانی نظری و جنبه شناخت شناسانه پژوهش‌های مختصری انجام شده است که از آن میان می‌توان (رحیم‌پور، زارع؛ ۱۳۹۱) را نام برد. قابل ذکر است نه تنها پژوهشی به طور اعم با تمرکز بر اتوپیا و با رویکرد اقتصادی در نظرگاه ملاصدرا مطرح نشده، بلکه به طریق اولی جزئیات مرتبط بر اتوپای اقتصادی مانند رضایت شغلی یا رشد و توسعه اقتصادی انجام نشده است، لذا ضرورت چنین پژوهشی حس می‌شود. در مقاله حاضر به این پرسش پاسخ داده می‌شود که براساس آثار ملاصدرا و علی‌رغم دیدگاه‌های برخی منتقدین مبنی بر عدم اهتمام ملاصدرا به مسائل اقتصادی، مؤلفه‌ها و موانع تحقق اتوپای اقتصادی در منظومه فکری چگونه قابل تبیین است؟

۳. تبیین ساختار علم اشتدادی

در این بخش به توضیح مبانی علم اشتدادی به عنوان زیربنایی برای ترسیم اتوپای اقتصادی پرداخته می‌شود که این مبانی عبارتند از: هستی‌شناسی تاویل به عنوان روش علم اشتدادی، تناظر مراتب وجودی انسان با مراتب هستی و تناظر مراتب هستی با علم و تناظر مراتب انسان با حقیقت.

۳-۱. هستی‌شناسی تاویل

«تاویل» از ریشه اول و به معنای رجوع و در باب تفعیل به معنای بازگرداندن است. از نظر ملاصدرا اگر انسان در پی کشف و مشاهده بطن و اصل حقیقت باشد، به‌طور حتم به تاویل نیاز دارد؛ همان‌طور که فهم عمیق قرآن کریم را از طریق تاویل میسر می‌داند: «إن التاویل کله یجری مجری التعبیر» (ملاصدرا، سه رساله فلسفی، ۳۰۹) با غور در آثار متعدد ملاصدرا می‌توان تاویل را یکی از خطیرترین فرآیندهای تفکر انسان در امور متعدد به حساب آورد؛ بدین نحو که برای هر «نمودی»، یک «بود» و برای هر «ظاهری»، «باطنی» قائل شد. به وسیله تاویل که خود به مثابه یک روش در مسیر علم اشتدادی قلمداد می‌گردد، می‌توان از ظاهر به باطن سیر نمود و با پاکسازی درون به درک عمیق‌تری از حقیقت نایل گشت. ملاصدرا با ارائه مسائلی چون وحدت وجود، تشکیک

وجود و استکمال جوهری، شکل خاصی از علم‌شناسی را می‌شناساند و به علم جنبه انتولوژیک می‌بخشد. وی مطابق اصالت وجود و تقدم آن بر ماهیت، وجود را سرچشمه همه خواص و آثار معرفی می‌کند و از آن‌جا که وجود، حقیقت واحد مشکک و ذومراتب است، صفاتی مانند علم، حیات، اراده، قدرت و آثارشان نیز به تبع آن ذومراتب می‌شوند. در این نوع نگاه انسان به عنوان موجودی که همواره در راه فهم حقیقت در حرکت است و ماهیت ایستایی ندارد، در سیر تکاملی خود می‌تواند کم‌کم با مراتب هستی اتحاد برقرار کند و به عالم عقلی مشابه عالم عینی مبدل شود. مشهود است که با التفات به هستی‌شناسی تأویلی، حقیقت به معنای تطبیق با امور حسی، به عنوان قشر و مرتبه ضعیف حقیقت قلمداد می‌شود.

شایان ذکر است در هستی‌شناسی تأویلی ملاصدرا تناظر مراتب وجودی انسان با مراتب هستی و عبور تدریجی انسان از نشئه حس به مراتب بالاتر مورد تأکید است. در این راستا به جهت مراتب تشکیکی نشئات حسی، خیالی و عقلی در نفوس انسانی و به جهت اینکه انسان بخشی از عالم هستی محسوب می‌شود و با هستی تناظر دارد لذا ایضاح نسبت انسان با هستی و حقیقت ضروری است و در نهایت مختصات علم اشتدادی را تبیین می‌نماید.

۳-۲. تناظر مراتب وجودی انسان با مراتب هستی

منظومه فکری ملاصدرا بر اساس رویکرد متمایزی به «وجود» شکل گرفته است. وی عالم را دارای مراتبی می‌داند که به نحو طولی از ماده تا ملکوت را در بر می‌گیرد. او هستی را در عین وحدتش به عوالم حسی، مثالی و عقلی تقسیم می‌کند، به فراخور این عوالم انسان نیز دارای مراتب متعددی است و با حفظ وحدتش به حسی، مثالی و یا عقلی تقسیم می‌شود (ملاصدرا، *مفاتیح الغیب*، ۱۰۳؛ همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*؛ ۳/ ۵۱۰). بدین معنا که حس انسان مشابه عالم حس، خیال او شبیه عالم خیال و عقل او مشابه با عالم عقل است و به همین جهت ملاصدرا انسان را «عالم صغیر» منطبق با «عالم کبیر» می‌داند (همان، ۳۷۳/۹).

مراتب هستی بر یکدیگر تاثیرگذار هستند و آثاری از طبقات عالی به سافل می‌رسد (قوس نزول) و مجدداً از سافل به عالی صعود می‌کند (قوس صعود)؛ انسان نیز موجودی دو ساحتی مرکب از نفس و بدن یا روح و جسم است و در عین وحدتش، این دو ساحت

از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند (همان، ۲۰ / ۱). انسان از جهت روح، بسیط است و تعلق به ماده ندارد، اما از لحاظ جسم، مرکب و دارای اجزاء متکثر است. نفس در مرتبه حدوث، صورت جسمانی و تعلقات مادی دارد و براساس اکتساب کمالات، به فعلیت رساندن قوا و تحقق ملکات مکتسبه، نشئه خیالی یا عقلی در او صورت می‌پذیرد (همو، المبدأ و المعاد، ۱۶۴-۱۶۵). کمال نفس در مشارکت با بدن در عالم ماده، به منفعل نشدن از بدن و رسیدن به مرتبه‌ای است که عقل بر آن استیلاء داشته باشد (همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه، ۱۲۷ / ۹).

بدن، مرتبه نازله نفس است و نفس، مرتبه تکامل یافته بدن است (همان، ۳۲ / ۲-۳۶). پایین‌ترین مرتبه نفس آدمی، وجود عنصری و جسمانی است و بالاترین مرتبه، نفس انسانی است که بعد از سیورورت از جنبه معدنی و حیوانی به نفس انسانی یا به تعبیری مرتبه عقل انسانی حرکت کرده است. بین همه این مراتب اتحاد برقرار است (همان، ۱۰۷-۱۰۵ / ۹). در واقع نفس انسان همانند وجود، امری تشکیکی و ذو مراتب است. براین اساس ارتباط رصین نفس‌شناسی ملاصدرا با هستی‌شناسی تشکیکی وی روشن می‌گردد و جنبه دیگر از مختصات علم اشتدادی تبیین می‌شود. از طرفی از جهت این‌که نفس انسانی بذاته دارای مراتب تشکیکی ادراک حسی، خیالی و عقلی است؛ رکن دیگر علم اشتدادی تبلور می‌یابد که به آن اشاره خواهد شد.

۳-۳. تناظر مراتب هستی با علم

براساس نظرگاه ملاصدرا علم از سنخ وجود است (همان، ۲۷۸ / ۳؛ ۱۵۰ / ۶). بدین جهت در سلسله تشکیکی وجود هر مرتبه از نفوس به میزان بهره‌مندی از هستی، دارای علم می‌گردند. با صعود به مراتب بالاتر هستی، بهره علم نیز بیشتر خواهد بود. باری تعالی عالم مطلق، خیر محض و مافوق کمالات است. بعد انبیاء و مقربان درگاه الهی از این علوم بهره‌مند هستند و به همین میزان سایر طیف‌های انسان‌ها از علوم بهره‌مند می‌شوند. لذا متناظر با مراتب و طبقات عوالم هستی، علم نیز دارای مراتب است.

انسان با سعه معرفتی به کمال نوینی دست می‌یابد و این تکامل به طور مستقیم با رتبه وجودی او مرتبط است. اگر شناخت او در حد محسوسات باقی بماند، کمال او در گستره محسوسات خواهد ماند. کمال قوه نظری نهایت درجه وجودی انسان است و تجرد از مادیات و اتحاد با عقل فعال و مجاورت با باری تعالی است. مقصود از اتحاد با

عقل فعال تطوّر ذاتی و استکمال جوهری نفس و ارتقای وجودی آن به عقل فعال و مشاهده حضوری جمیع معقولات است (ملاصدرا، اسرارالایات، ۲۲۸ - ۲۲۹).

پوسته و ظاهر عالم، عالم حس و باطن و کنه آن عالم ملکوت و عقول است. رسیدن از سطح ابتدایی عالم به کنه و بواطن عالم از ویژگی‌های انسان کامل است که جامع جمیع کمالات و عوالم ثلاثه هستی است (همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۳۴۱). در واقع براساس تأویل در منظومه فکری ملاصدرا در پس هر وجودی، وجود دیگری قرار دارد که باطن آن محسوب می‌شود. بر اساس روش تأویل محور دنیا نمود و جلوه ظاهری آخرت است و آخرت چیزی جز باطن دنیا نیست. به عبارتی دنیا مثال آخرت و آخرت ممثل دنیا است. رسیدن به سعادت به معنای ایجاد توازن بین ظاهر و باطن، بین محسوس و معقول، بین دنیا و آخرت است. موازنه بین این امور باعث اعتدال احوال انسان می‌گردد و این اعتدال را انسان کامل که منظور نبی است به عهده دارد؛ چون او بیشترین سنخیت را با باری تعالی دارد و خصائص و کمالات وجودی را به نحو اتم و اکمل دارا است (همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه، ۳ / ۲۸۲ و ۲۹۸).

براساس قاعده امکان اشرف، هر کمالی در مراتب مادون، قطعاً در مراتب مافوق وجود دارد (همان، ۷ / ۲۴۴). چون مراتب مادون در نظام تشکیکی هستی قرار دارند، پس مراتب مافوق بهره‌مند از کمالات، باید وجود داشته باشند. در نتیجه ضرورت وجود انسان کامل در گستره هستی مشخص می‌گردد. او واسطه فیض الهی است و در هر زمان و هر دوره‌ای کائنات به وجود او نیازمند هستند (همو، اسرارالایات، ۱۱۱). انسان کامل، نبی، ولی و حکیم است. مراتب وجودی هرکدام متفاوت و کامل‌ترین شخص از نظر بهره معرفتی و وجودی شخص نبی است.

ملاصدرا بر اساس تئوری اتحاد عالم و معلوم شکاف بین فاعل شناسا (انسان) و متعلق شناسایی (هستی) را زدود و انسان مدرک را عین هستی ادراکی لحاظ کرد. از آنجا که بر اساس اتحاد، نفوس با اکتساب علوم مختلف، اختلاف جوهری می‌یابند، نفوس به دسته‌ها و طیف‌های مختلف تقسیم می‌شوند. در نتیجه ملاصدرا بین معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نیز ارتباط وثیقی در نظر گرفت. از طرف دیگر بر اساس تناظر هستی با علم و تنظیم و تطبیق این مراتب پیوندی دیگر با «حقیقت» می‌یابند. چون هرچیزی به واسطه وجود حقیقت پیدا می‌کند و ظهور می‌یابد و در نتیجه وجود بیش از هرچیزی به حقیقت داشتن سزاواتر است. پس ملاحظه نسبت انسان با حقیقت

در تئوری علم اشتدادی اهمیت می‌یابد و یکی از ارکان آن محسوب می‌شود که به آن اشاره خواهد شد.

۳-۴. تناظر انسان با حقیقت

حقایق امور صرفاً منحصر در نمودهای ظاهری نیست و هر پدیده‌ای دارای ظاهر و باطنی است. انسان با تصفیه باطن می‌تواند به حقایق امور نائل آید (همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*، ۳۰۰/۳). ظاهری که دارای باطن نباشد مانند شیخ بدون روح است (همو، *مبدأ و معاد*، ۹۵).

در نظرگاه ملاصدرا حقیقت با وجود پیوند وثیقی دارد. عالم محسوس که از طریق حس و تجربه به آن دسترسی داریم، حقیقتی قائم به ذات نبوده و رمز و مثال عالم اعلی و برتر است. حقیقت اصیل برای کسانی آشکار می‌گردد که طریقه تأویل حقیقت الحقایق را به درستی بدانند (ملاصدرا، *شرح اصول الکافی*، ۱/۳۲۴).

بر اساس تئوری حرکت جوهری صدرا بی انسان مدام در حال تکامل است و نقائص خود را کم‌کم به کمالات می‌رساند و از فقدان به وجدان می‌برد. انسان از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر دائماً در حرکت است تا به حقیقت نهایی و کمال غایی برسد و براساس اتحاد عالم و معلوم به عالم عقلی مشابه عالم عینی دست یابد (همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*، ۱۵/۳۰۰).

به اعتقاد او سیر و گذار انسان از ظاهر به باطن و از باطن به باطنی دیگر و اتحاد وجودی با هریک از مراتب، موجب تحقق عینی آن مرتبه از عالم به درون انسان و در نهایت انکشاف آن مرتبه می‌گردد (همو، *مفاتیح الغیب*، ۳۰۹).

ملاصدرا با براهین متعدد اثبات کرد که وجودهای مادی دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند. جواهر از اعراض تحلیلی وجود هستند. اعراض نیز از شئون جواهرند، لذا هر تغییر و دگرگونی، جوهر و عرض را توأمان دربرمی‌گیرد و به تبع حرکت در جواهر، اعراض اعم از کم و کیف نیز در ورطه دگرذیسی قرار می‌گیرند (همو، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*، ۱۷/۲۹۰-۲۹۱).

از این‌رو ملاصدرا برداشت‌های مختلف نفوس انسانی از حقیقت را منشأ تفاوت دیدگاه‌های بشری دانسته است. تفاوت دیدگاه‌های انسان‌ها در باب شناخت که بیانگر تنوع و تفاوت باطن آنهاست، ناشی از چگونگی مشاهده تجلی حق دارد و رد و انکار

آن‌ها ناشی از غلبه احکام برخی مواطن بر برخی دیگر است (همو، ۲/ ۳۸۶؛ همو، تفسیر القرآن الکریم، ۲/۲). یعنی هر مرحله از نفس انسانی مرحله پایین را تأویل می‌نماید و این امر منشأ برداشت‌های گوناگون از حقیقت واحد می‌شود، اما تحقق حس تأویل در انکشاف عالم از طریق تصفیه نفوس و پاکسازی نفس بدست می‌آید و فرد به مرتبه‌ای از وجود می‌رسد که با حقیقت عالم مأنوس شود و حقایق امور را به علم لدنی مشاهده کند (همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه، ۱/ ۴۶۰). دستیابی به شناخت غایی و بالاترین سطح معرفت فقط توسط نبی و انسان کامل صورت می‌گیرد. سایر نفوس بر اساس اتصال با نفس نبی و میزان قرابت وجودی نسبت به او، به درجات اعلی معرفت و به هماهنگی بیشتری با نظام هستی می‌رسند و با صور عالم خیال و عقل فعال متصل و در نهایت داناتر می‌شوند (همان، ۲/ ۳۶۶)

۴. تبیین مختصات اتوپیای اقتصادی

اتوپیا (utopia) واژه‌ای یونانی است و ترکیبی از دو واژه ou به معنای نفی و کلمه Topos به معنای مکان است. از نظر لغوی به معنای لامکان یا ناکجا آباد است، اما در اصطلاح به معنای آرمانشهر، مدینه فاضله یا مکانی است که در آن همه امور به خوبی اجرا و ساماندهی می‌شود (آریان‌پور، ۲/ ۲۴۳۶). و همه انسان‌ها به دور از فقر و جهل به سعادت، به سلامت و خوشبختی می‌رسند (مکارم، ۱۹). براساس تعبیر متفکران اسلامی اتوپیا در عرصه روابط اجتماعی و انسانی یا در جنبه‌های مادی و زیست محیطی قابلیت تحقق دارد (جوادی آملی، ۳۵۱-۳۳۹) و در مضامین و تعالیم اسلامی از واژه «حیات طیبه» برای اتوپیا نیز استفاده شده است که به معنای فراهم بودن کلیه ابزارهای مورد نیاز زیستی- جسمانی و روحانی ضروری برای شهروندان است تا در نهایت به سعادت دنیوی و اخروی نائل آیند (مهاجرینیا، ۴۲۲-۴۲۳).

واژه اقتصاد نیز به معنای اعتدال و حد میانه امور است (دغیم، ۸۴). علم اقتصاد توسط متفکران به انحاء مختلف تعریف شده است. جان استوارت میل، اقتصاد را نوعی از «عملکرد بشر در تولید ثروت» معرفی می‌کند (Mill, 323). مارشال علم اقتصاد را بخشی از عمل فردی و اجتماعی مرتبط با کسب درآمد توضیح می‌دهد (Marshall, 101). پس با رویکرد اقتصاد نوین، علم اقتصاد به رفتار، تبادل ثروت و یا بخش مدیریت منابع مادی اطلاق می‌گردد و بالتبع مسائل اقتصادی مسائلی در حوزه منابع، اموال، تأمین سرمایه

انسانی، رفاه و اشتغال خواهد بود.

اتوپیای اقتصادی امر مطمح نظر در این نوشتار است که مقصود از آن ترسیم مدینه فاضله‌ای است که بر اساس زعامت انسان کامل (نبی، امام، ولی، حکیم و دیگر مقربان به مقام آن‌ها) اعضای مدینه کمالات مادی، نیازهای اقتصادی و جسمانی‌شان را به فعلیت می‌رسانند؛ چنانکه ملاصدرا در المبدأ و المعاد اذعان دارد که نفس انسان برای به کمال رساندن نقصان‌ها و برای رسیدن به تقرب و شناخت پروردگار مقدماتی را لازم دارد و باید به تدبیر امور مربوط به «اموال» و «نفوس» پردازد و انبیای الهی هادیان این طریق هستند و در این مسیر دنیوی و نشئه حسیه نیز به انسان‌ها کمک می‌کنند (ملاصدرا، المبدأ و المعاد، ۵۰۰-۵۰۱).

همانطور که گفته شد چون انسان موجودی دو ساحتی مرکب از جسم و روح است و برای رسیدن به سعادت، باید در کنار نیازهای روحانی، پاسخی به نیازهای جسمانی داشته باشد. توازن بین این دو ساحت احتیاج به بالاترین مرتبه شناختی و فعلیتی است که آن را انسان کامل به عهده دارد؛ زیرا او توانایی تدبیر زندگی مادی در عرصه اجتماعی را بیش از سایرین دارد. به عبارتی عقل معاش او قوی‌تر از سایر نفوس است. از طرفی او عالم به علم معاد نیز هست و از این جهت نیز در بالاترین سطح توسعه وجودی- معرفتی قرار دارد؛ لذا جامعه مدنی را به سعادت مادی نیز می‌رساند. قابل ذکر است عقل با توجه به ساحت فعالیتش دارای معانی گوناگونی است (ملاصدرا، ترجمه شرح اصول کافی، ۲۲۳-۲۵۰) و لاجرم بر اساس معانی متمایز، دارای کارکردهای متفاوتی است. یکی از این کارکردها، مرتبط به تقدیر معیشت یا توان تدبیر زندگی مادی است و اصطلاحاً از آن به «عقل معاش» تعبیر می‌شود. در واقع عقل معاش قوه ای است که مردم، آن را در سامان بخشی زندگی معیشتی به کار می‌برند (مجلسی، ۳۵). زمانی که عقل معاش در خدمت عقل معاد باشد، انسان را به «سعادت» و «غایت قصوی» می‌رساند (ملاصدرا، مبدأ و معاد، ۵۷۸).

سعادت امری است که باعث کمال وجودی شیء می‌شود (همو، شرح اصول الکافی، ۳۹۷ / ۲) و با رتبه وجودی نفوس پیوندی ناگسستنی دارد. اگر نفسی در مرتبه حسی باشد، سعادتش به فراخور مرتبه حسی دارد و اگر در مرتبه خیالی یا عقلی باشد، به همان میزان از سعادت بهره می‌برد. از طرف دیگر براساس «اصل حرکت جوهری» و «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء»، وجود انسان به تدریج از جسمانیت به روحانیت اشتداد پیدا می‌کند و قابلیت‌ها و استعدادهایش به تدریج به فعلیت می‌رسد و از آنجا که وجود انسان

با معرفت تناظر دارد، با توسعه وجودی- معرفتی به سعادت می‌رسد. مولفه سعادت علت غایی تحقق اتوپیای اقتصادی است؛ ملاصدرا سعادت را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم می‌کند. سعادت دنیوی از نظر او دو قسمت دارد:

۱. سعادت جسمی: سلامتی، نیروی فراوان، شهامت، جمال جسمانی

۲. سعادت خارجی؛ که منظور فراهم بودن لوازم زندگی و تامین مسائل مادی

سعادت اخروی نیز دو بخش دارد:

۱. سعادت علمی؛ از قبیل کسب معارف و حقایق

۲. سعادت عملی؛ از قبیل اطاعت الهی، آراستگی به فضایل و اخلاق زیبا (ملاصدرا،

تفسیر القرآن الکریم، ۱۷ / ۳۸۷)

همانطور که بیان شد براساس تئوری علم اشتدادی دنیا مثال و ظاهر آخرت است و آخرت باطن و کنه و ممثول دنیاست. با عنایت به روش تاویل محور و گذر از ظواهر به بواطن امور، سعادت دنیا نیز پوسته و ظاهری از سعادت آخرت محسوب می‌شود و گذر از سودآوری و بهره‌وری مادی برای نیل به منافع اخروی، حرکت اشتدادی خواهد بود و این مسیر پیوندی برای ایجاد توازن بین خواسته‌های دو ساحت جسم و روح است. مردم یک شهر یا اهالی یک کشور برای تحقق خواسته‌های ساحت مادی و جسمانی خود نیازمند به تأمین ضروریات معیشتی خوراک و پوشاک و مسکن و اشتغال و مانند آن هستند که براساس سعادت خارجی در اتوپیای خارجی به آن دست می‌یابند.

براساس سعادت جسمانی تحقق مسیر سلامتی و کاهش امراض در گستره اجتماع، افزایش توان فیزیکی شهروندان برای بهره‌مندی از منابع و امکانات زیست محیطی در اتوپیای اقتصادی رخ می‌دهد، لذا مسائل مرتبط با بهبود سطح بهداشت بر اتوپیای اقتصادی روانه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۱. مؤلفه های اتوپیای اقتصادی

منظور از مؤلفه‌های اتوپیای اقتصادی، عناصر تشکیل دهنده آرمانشهری است که در صدد تامین مسائل معیشتی شهروندان است. این عناصر عبارتند از: ۱. انسان کامل به عنوان مجری و مدیر اتوپیا ۲. قانون اقتصادی و حیانی ۳. عدالت توزیعی به عنوان ضامن اجرای قانون اقتصادی.

۴-۱-۱. انسان کامل، مجری و مدیر اتوپیا

مدیر جامعه همه قوای عقلانیش به فعلیت رسیده و اکمل نفوس است (همو، المبدأ و

المعاد، ۴۹۲). چون فلسفه برخاسته از منزلت نبوت است و جایگاه حکما به عنوان کامل‌ترین انسان‌ها بعد از پیامبران و امامان قرار دارند (ملاصدرا، رساله المشاعر، ۱۰) و بزرگان فلسفه همچون طالس، انبازقلس، سقراط و افلاطون حکمت را از مشکلات نبوت و انبیایی همچون ادريس و داود و سلیمان اقتباس کرده‌اند (همو، شرح و تعلیق صدرالمتألهین بر الهیات شفا، ۲۱/۱) در واقع از آنجا که وجود با علم مساوق و امری ذی مراتب است (همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه، ۳/ ۲۷۸) و نبی مجری و مدیر اعلی مدینه است؛ پس زعامت مدینه بر اساس رتبه وجودی به نحو تشکیکی از نبوت تا امامت و حکما ادامه دارد؛ بالتبع اتوپیا به نحو تشکیکی خواهد بود.

از جهت وجودی نیاز به امام بالاتر از خوراک و پوشاک است (ملاصدرا، شرح اصول الکافی، ۲/ ۴۷۷). او به تامین مسائل مادی جامعه نیز اهتمام دارد، از این‌رو اهمیت امام و یا انسان کامل بالاتر از مسائل معیشتی خواهد بود.

ادراکات نفوس انسانی در حرکت وجودی اشتدادی با یکدیگر متفاوت است. نبی جامع عوالم و ادراکات ثلاثه (حس و خیال و عقل) است. بدین جهت می‌تواند بر هیولا و قوای سایر نفوس انسانی، نباتات، جمادات، حیوانات و تمامی نشئه حس تاثیر بگذارد؛ یعنی می‌تواند هیولا را از صورت جدا کرده و صورت و فعلیت جدیدی به هیولای کائنات اعطا کند و بر اساس تأویل در علم اشتدادی از ظواهر به بواطن امر راه یابد و در کائنات و امور مادی نیز دخل و تصرف نماید. او قوای متخیله قوی دارد و تمام علوم را به طور حدسی و بدون طی کردن روال متداول تفکر طی می‌کند و با ادراک کلیه صور حقیقی به مفارقات می‌رسد و در مرتبه بعدی به بالاترین مرتبه علم اشتدادی یعنی عقل بالمستفاد نائل شده است (همو، رساله سه اصل، ۱۰۸) به طور کلی در اتوپیای اقتصادی، نبی به مدیریت و اجرای اوامر الهی در جهت توسعه نظام معیشتی نفوس می‌پردازد و این امور عبارتند از:

۱. دخل و تصرف در عالم ماده بر اساس نیاز طیف‌های مختلف نفوس: در

تئوری علم اشتدادی و براساس اصل تناظر انسان با هستی و همین‌طور تناظر هستی با علم، با افزایش هماهنگی هر مرتبه از نفوس با نظام هستی، بر حکمت و داناییشان افزوده می‌شود تا بالاترین مرتبه که نبی است و در نتیجه این تکامل می‌تواند در عالم تکوین تصرف کند. این تصرف ناظر به کمال قوای تحریکیه و جزء عملی نبی است. وی توانایی زائل کردن صورت از هیولا و جایگزینی آن با صورتی دیگر را دارد. اموری مانند

استحاله هوا به ابر، انزال باران و شفای مریض در جهت به استكمال رساندن عالم صغیر و عالم کبیر است (نک: همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۱/ ۳۴۲-۳۴۳). پس تلاقی عالم تشریح با عالم تکوین و نفوس انسانی در این مرتبه رخ می‌دهد.

۲. اصلاح نظام معیشتی در جهت دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی جامعه، مانند بسیاری از معجزات و کرامات که علاوه بر تغییر در نظام معاش، موجب تغییر رویکرد نفوس به معاد می‌شد (نک: ملاصدرا، تفسیرالقرآن الکریم، ۳۲۴/۶؛ همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۱/ ۳۴۳-۳۴۴)

۳. شناساندن طریق بهره‌وری و سودآوری صحیح از منابع مادی و امکانات زیست محیطی: مانند حضرت یوسف که با تأویل رویا، از ظاهر امور پی به باطن برد و شیوه صحیح بهره‌وری از امکانات مادی را در دوران قحطی به مردم مصر آموخت: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف/۱۰۱) (همو، تفسیرالقرآن الکریم، ۲/ ۳۴۵)

۴. اشتغال‌زایی و کارآفرینی متناسب با ظرفیت‌های جامعه: مانند تعلیم صنعت زره توسط حضرت داود که با علم لدنی عرصه اشتغال جدیدی در جامعه به فراخور ظرفیت‌ها ایجاد کرد. چنانچه در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء/۸۰) (همان، ۲/ ۳۴۵).

۵. روان‌شناسی اقتصادی توسط نبی برای رسیدن به توسعه مدنی: مانند حضرت خضر که با عنایت به روش تأویلی و با علم فراست، از ظاهر نفوس پی به خصائص باطنی آنها برد و با انکشاف بهره نفوس از حقیقت، به مدیریت جامعه پرداخت: «وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف/۶۵) (همان، ۲/ ۳۴۵).

مطابق این بیانات از آن‌جا که علم مدیریت منابع مادی و سرمایه انسانی و شیوه مصرف صحیح آن در سعادت نفوس موثر است، نبی به عنوان زعیم مدینه به تحقق آن اهتمام می‌ورزد.

۴-۱-۲. قانون اقتصادی و حیانی

منظور قانون الهی است که خداوند برای انبیاء فرستاده است و در اختیار سایر نفوس انسانی قرار داده است. بهره‌مندی از این قانون و ارسال آن به شخص نبی مستلزم سعه وجودی و بهره‌مرفتی خاصی است که دیگران از آن محروم هستند. بدون قانون

وحیانی نزع، درگیری، قتل، آشوب در گستره زندگی مردم رخ می دهد و منجر به تباهی انتظام امور معیشتی می شود (همو، مفاتیح الغیب، ۵۶-۵۷). این در حالی است که یکی از اهداف رسالت انبیا و توضیح شرایع، انتظام معیشت مادی و اخروی بر اساس ظرفیت های وجودی- معرفتی آنها است چنانچه ملاصدرا بیان کرده است: «زیرا که مقصود از فرستادن رسولان و وضع شرایع، به نظام درآوردن احوال مردمان است در کار معاش (زندگی دنیا) و امر معاد (زندگی آخرت). پس هر نظر و راییی پس از احکام الهی که اختراع و وضع شود و یا هوسی که پیروی شود، خارج از کتاب خدا و سنت رسولش بوده و سبب وقوع فتنه ها و آشوب ها و از هم پاشیدگی نظام در این جهان می شود» (همو، شرح اصول الکافی، ۱۸۴/۲).

۳-۱-۴. عدالت توزیعی، ضامن اجرای قانون اقتصادی

عدالت اقتصادی وضعیتی است که دستیابی مردم به سرمایه های مالی جامعه میسر باشد و زمینه رشد برای افراد جامعه فراهم باشد تا در صورت استعداد و توانایی بتوانند به کمالات لایق خود دست یابند (نک: مطهری، بیست گفتار، ۹۸-۱۰۰). بدون عدالت حتی انسانیت انسان در جامعه محقق نمی شود؛ یعنی به کمالات لازم و کافی نمی رسند. غرض از تشکیل حکومت رسیدن و رساندن طیف های مختلف نفوس به سعادت است و از لوازم این مقصود، عدالت اقتصادی در عرصه توزیع و تخصیص اراضی و اموال به شهروندان است. در غیر این صورت زندگی مادی مانند بسیاری از جوامع ماتریالیستی و صنعتی چیزی جز هرج و مرج و تشویش نخواهد بود. همین ناملایمات در نهایت منجر به برهم ریختگی بنیان های فکری در عرصه معاد می گردد. مدیریت این امر در اتوپییای اقتصادی به عهده نبی است که در مرتبه اعلی شناخت فیزیکی و متافیزیکی جامعه یعنی مرتبه عقل مستفاد قرار دارد. وی تدبیر و اجرای قوانین مربوط به تقسیمات اموال، عقود معاوضات در مورد مناکحات، دیون، معاملات، تقسیم ارث، تعیین مواجب نفقات، توزیع غنایم جنگی، صدقات، امور مربوط به عتق و آزادی بردگان را برعهده دارد (ملاصدرا، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۳۶۳/۱). احکامی چون خمس از راهکارهایی است که امروزه به عنوان عدالت توزیعی در حوزه اقتصاد مطرح شده و ملاصدرا در بخش حکمت و سیاست به آن اشاره کرده است (همان، ۸۱۵/۲-۸۱۶).

بنابراین براساس علم اشتدادی با به رسمیت شناختن نشئه حسی و دنیوی به عنوان یک مرتبه از هستی و ادراک، شخص نبی بر اساس تأویل از نشئه حس عبور می کند و

به جهت جامعیت عوالم ثلاثه با آگاهی از مراتب و رای حس یعنی خیال و عقل به مدیریت نشئه معیشتی و دنیوی می‌پردازد. در اثر تامین احتیاجات متکثر جسم در گستره اجتماع به ساماندهی نشئه معاد نفوس در اتوپیای اقتصادی می‌پردازد. بدین سان همانطور که ذکر آن گذشت، عقل معاش و تدبیر معیشت مادی، امری مجزا از امر معاد نخواهد بود و اگر مسائل اقتصادی به درستی حل نشود، امور مرتبط به معاد نفوس نیز دچار خلل خواهد شد.

۴-۲. برآیند اتوپیای اقتصادی

منظور از برآیند اتوپیای اقتصادی نتایج برخاسته از تئوری علم اشتدادی است که منجر به تحصل آرمان شهر اقتصادی می‌گردد. این نتایج عبارتند از: ۱. توسعه سرمایه انسانی متناسب با ظرفیت‌های وجودی ۲. اشتغال متناسب با ظرفیت‌های وجودی شهروندان ۳. رضایت شغلی ۴. تعاون اقتصادی ۵. تعاون اقتصادی ۶. ثبات اقتصادی ۷. گسترش رفاه اقتصادی ۸. توسعه اقتصادی.

۴-۲-۱. توسعه سرمایه انسانی متناسب با ظرفیت‌های وجودی

در دنیا از سه عنصر منابع طبیعی، منابع فیزیکی و منابع انسانی، بیشترین بهره‌دهی و سودآوری از آن منابع انسانی است (دسلر، ۱۲). توسعه سرمایه انسانی ناظر به فعلیت رساندن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های وجودی انسان است که منجر به شکوفایی نیروی عقل و اندیشه افراد می‌شود. با این رویکرد منافع اقتصادی کاوش درباره مهارت‌های درونی افراد، دانش‌ها و توانایی است (نادری و دیگران، ۵-۶). در اقتصاد دانایی محور با تلاش در جهت ارتقاء جایگاه شناختی سرمایه‌های انسانی به عنوان مهم‌ترین منبع، می‌توان به کارآمدی و بهره‌وری بالایی در حوزه اقتصاد دست یافت. در اتوپیای اقتصادی با نظارت اجرایی اکمل کائنات و به جهت قوای معرفتی او در سطح عقل بالمستفاد و وساطت فیض بودن او و هم‌چنین با نظر به روش تاویلی و گذر از ظاهر به باطن نفوس، این ظرفیت در جامعه به فعلیت خواهد رسید و مسیری برای سعادت رساندن ظرفیت‌های شناختی (حسی، خیالی و عقلی) فراهم و در نهایت رشد ظرفیت‌های فردی به توسعه معرفتی اجتماعی منجر می‌شود

۴-۲-۲. اشتغال متناسب با ظرفیت‌های وجودی شهروندان

از دستاوردهای اتوپیای اقتصادی جایگاه اجتماعی (جاه) متناسب با ظرفیت‌های وجودی - معرفتی شهروندان است. از لوازم جایگاه اجتماعی نیز شغل متناسب با آن است. از

آنجا که در نظرگاه ملاصدرا، التذاذ از منابع مادی مقدمه رسیدن به منافع اخروی است، بهره مندی از امکانات، تحصیل مال و جاه در مدینه ضروری است ولی هدف انگاری این امور از مواقف هلاکت انسان است (ملاصدرا، اسرارالایات، ۱۱۵-۱۱۶) و لاجرم از موانع تحقق اتوپیای اقتصادی خواهد بود که در ادامه این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. در واقع هر آنچه معرفت خدا بر آن متوقف باشد، دستیابی به آن برای مدینه ضروری است. ملاصدرا بهره‌وری از مادیات را با رویکرد ابزارانگاری نشئه اخروی به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. آنچه مربوط به نفوس، جان و جسم شهروندان است. ۲. اموال و آنچه وابسته به آن‌هاست (همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۳۷۳/۱). بر این اساس امور مربوط به معیشت، از حیث اثرگذاری در معرفت معاد مورد توجه واقع می‌شود؛ بنابراین مشاغلی که موجب حفظ سلامت نفوس و اموال می‌شوند، حائز اهمیت هستند (مانند پزشکی، روان‌شناسی، روانپزشکی، بانکداری و غیره).

در تناظر نشئه حسی جهان هستی با نفس انسانی، در مراتب نخست باید زندگی عرفی و نیازهای ضروری مادی مردم تامین شود. به تدریج با مشارکت آنها در تناظر نشئه خیالی با انسان خیالی با استمداد از قوه خیال و ابزارهایی برای رشد هنرورزی و در جهت درک کارهای نیک و تشویق نیکوکاران مورد توجه قرار می‌گیرد. در تناظر با جنبه عقلانی حیات انسانی نیز مشاغلی مرتبط با جنبه‌های متعالی فرهنگ، در جهت رشد منطق عقلانی مورد استفاده می‌شود. کلیه این امور از برآیندهای تناظر هستی با نفس به منزله عالم کبیر و تناظر آنها با ادراک است. در نتیجه باید گفت که در اتوپیای اقتصادی مردم در دسته‌های مختلف شغلی مناسب بر اساس کمالات وجودی و قوای بالفعل و یا حتی قوای (نیروهای) بالقوه‌شان قرار می‌گیرند و نفس نبی با عنایت به روش تاویل محور نسبت به آنها شناخت دارد و نفوس را به مناسب شغلی متناسب با ظرفیت‌ها می‌رساند.

۴-۲-۳. رضایت شغلی

منظور ادراک لذت و شادمانی افراد نسبت به محیط کاری در مسیر نیل به اهدافشان است. به تعبیر رابینز رضایت شغلی یعنی تفاوت مقدار مزایا و پاداشی که شخص شاغل دریافت می‌کند و آنچه را که به باور خود باید دریافت می‌کرد (رابینز، ۶۵). امنیت شغلی، حقوق و مزایای متناسب با ظرفیت‌های شغلی افراد، نحوه روابط انسانی در محیط

کاری، عوامل محیطی و تناسب شغل با ظرفیت‌های وجودی افراد در رضایت شغلی موثر است. در واقع رضایت شغلی ترکیبی از عوامل مختلف روان شناختی، جسمانی و اجتماعی است (صافی، ۱۵۳-۱۵۰). امکان ترقی ظرفیت‌های افراد در محیط شغلی در رضایت شغلی نیز موثر است. میزان رضایت از شغل نشأت گرفته از میزان ادراک هر فرد از جایگاه شغلی‌اش است. ملاصدرا لذت و رضایت را ادراک کمال وجود تلقی می‌کند و رضایتمندی را بر اساس میزان رتبه وجودی و ادراک فرد می‌داند (نک: ملاصدرا، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ۱۲۲/۹ و همو؛ ۱۲۰/۴) برای مثال انسان حسی میزان رضایتمندی از شغلش بر اساس آورده‌های مالی، مادی و حسی است و یا انسان خیالی میزان رضایت و ادراک از شغلش منطبق با عناصر خیال یا پارامترهای هنرمندانه خواهد بود. براساس ساختار علم اشتدادی مراتب هستی بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و مرتبه عالی بر سافل موثر است، لذا نبی در رأس این هرم با مدیریت در عرصه کلان اجتماعی به افزایش میزان رضایتمندی شغلی کمک می‌کند.

۴-۲-۴. تعاون اقتصادی

انسان مدنی الطبع است و برای رسیدن به سعادت نیازمند جامعه‌ای است که شهروندان در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی خویش به یکدیگر یاری رسانند. تحقق این امر مستلزم بهره‌ای از شناخت است. از منظر ملاصدرا اتوپیا به سان بدن سالم و کامل است که نتیجه تعاون و همکاری اعضا با یکدیگر است تا حیات شخص تامین گردد (ملاصدرا، *المبدأ و المعاد*، ۴۹۰-۴۹۱) از آنجا که جسم و روح و دنیا و آخرت به یکدیگر مرتبط است پس برای احیای نیازهای روح باید از جسم آغاز کرد و برای ابقای در آخرت باید از دنیا حرکت کرد. در جامعه نیز برای ابقای تعلقات اخروی و اقتصادی باید از دنیا بهره برد. بنابراین تشریک مساعی و مشارکت اجتماعی در جهت سودآوری مادی در اتوییای اقتصادی بسیار حائز اهمیت است چون منجر به سعادت اخروی جامعه در عرصه کلان خواهد کرد.

۴-۲-۵. ثبات اقتصادی

عدم توانمندی در پیش‌بینی وضعیت اقتصادی آتی و عدم شناخت نسبت به ریسک‌ها و بی‌ثباتی‌ها از چالش‌های فراروی هر نظام اقتصادی است. ثبات اقتصادی به معنای فقدان نوسانات و تغییرات گسترده اقتصادی است و بر سطح خرد و کلان اقتصادی مؤثر است. ثبات اقتصادی در زمینه فردی به معنای تامین مایحتاج زندگی فردی (اقتصاد

خرد) است و در عرصه اجتماعی (اقتصاد کلان) یعنی جامعه بدون نگرانی از نوسانات اقتصادی برای آینده برنامه‌ریزی کنند. شخص نبی به جهت قوه حدس، جامعیت نشئات ثلاثه و با عنایت به روش تأویل محورانه توانایی پیش‌بینی و تخمین شرایط مختلف اقتصادی و توانایی گذر از زمان حال برای پیش‌بینی آینده را داراست (نک: ملاصدرا، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، ۱/۳۴۰-۳۴۱)؛ بنابراین نبی به جامعه ثبات اقتصادی می‌بخشد و سایر شهروندان براساس بهره‌مندی از شناختی که دارند به این ثبات اقتصادی کمک خواهند کرد.

۴-۲-۶. گسترش رفاه اقتصادی

نگرش‌ها و دانش‌های فردی در توسعه اقتصادی و رفاه مردم مؤثر است. حیا طیبیه، «رغید العیش» از واژگان کلیدی اتوپیای اقتصادی در منظومه فکری ملاصدرا است که به کلمه رفاهیه به شاخصه‌های آن اشاره می‌کند که این امر منوط به کارگیری صحیح از عقل و دین است و در اثر فقدان آن، زائل می‌شود (همو، *شرح اصول الکافی*، ۱/۵۸۵؛ همو، *تفسیر القرآن الکریم*، ۳/۸۸). «طیب العیش» یعنی زندگی مطلوب همراه با لذت و آسایش مادی که وابسته به شرایطی از جمله کثرت متاع دنیا است (نک: همو، *شرح اصول الکافی*، ۲/۳۳۷-۳۴۴)؛ یعنی انسان‌ها در زندگی دچار فقدان ضروریات نشوند و این امر ناشی از فقدان مشکل در کسب و تجارت و صنعت است. پس در نتیجه این معنای رونق اقتصادی است (نک: همو، *شرح اصول الکافی*، ۲/۳۳۷-۳۴۴).

۴-۲-۷. توسعه اقتصادی

مطابق با ساختار علم اشتدادی انسان هویت خاص و مرتبه وجودی ثابتی ندارد. بر اساس حرکت جوهری، وجود انسان مدام در حال حرکت و تکامل است و از مرتبه‌ای به مرتبه وجودی دیگر استکمال می‌یابد. از نشئه حسی به نشئه خیالی و نشئه عقلانی در حرکت است. به تبع حرکت در وجود، اعراض نیز در حال حرکت هستند؛ یعنی به تبع حرکت در وجود هر مرتبه لاجرم سطح کمی و کیفی زندگی‌اش - که به مثابه اعراض وجودی هستند - نیز تغییر می‌کند. براساس حرکت آحاد جامعه، معیشت مادی گستره جامعه در مسیر توسعه اقتصادی پیش می‌رود. مؤلفه‌های اتوپیای اقتصادی نبی به این روال و حرکت تکاملی کمک خواهد کرد.



۳-۴. موانع اتوپیای اقتصادی

۳-۴-۱. انباشت ثروت

هدف انگاری دنیا و متعلقاتش به جهت نقصان معرفت نسبت به معاد است (همو، رساله سه اصل، ۶۴). اگر مجموع آحاد جامعه حب به جاه و مال و انباشت ثروت را مانند بسیاری از تجار و متمولین و رؤیسان داشته باشند، جامعه از مسیر سعادت و تکامل دور می‌شود (نک: همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ۱۶۴/۷) و در نهایت این قیودات نفسانیه جامعه را از تحقق اتوپیای اقتصادی در مسیر توحیدی دور می‌کند. به عبارتی انسانیت انسان که با شعور، ادراک و عقل او عجین شده است، با هدف انگاری مادی، به تباهی کشانده می‌شود. اما استفاده از مال و طلا و نقره و ساخت مسکن و به کارگیری آن‌ها برای اشتغالی مثل جواهر سازی و ساخت ظروف از عنایات پروردگار برای بهره‌وری و سودآوری مادی انسانی است (همو، المبدأ والمعاد، ۲۲۰).

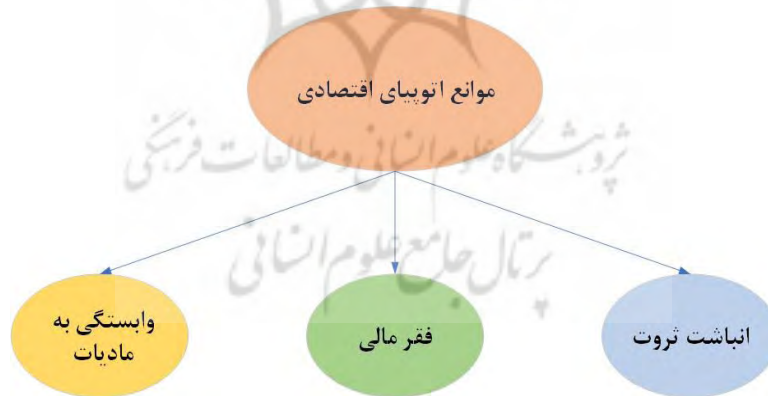
۳-۴-۲. فقر مالی

«معیشت ضنک» (فقر اقتصادی) از اموری است که ملاصدرا در مورد تنگناهای اقتصادی در جامعه ذکر می‌کند. وی اعراض و رویگردانی از معرفت نفس و علم معاد را موجب ظلمت دل و عمای بصیرت می‌داند که آن را نصیب جاهلان به جهت فراموشی از یاد

حق تعالی تلقی می‌کند (همو، رساله سه اصل، ۳۷). همانطور که بیان شد ملاصدرا آسایش مادی یا «رغید العیش» را در گرو به کارگیری دین و عقل می‌داند و شخص بی بهره از دین و عقل زندگی آکنده از خوف، فقر و تنگدستی مالی خواهد داشت (همو، شرح اصول کافی، ۵۸۳/۱-۵۸۵). ملاصدرا تهیه غذا، لباس و مسکن را از ضروریات معیشتی می‌داند که تامین آن حتی در رویکرد نفوس به نظام معاد هر فرد مؤثر است (همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ۳۶۲/۱) لذا فقدان این امور در جامعه از تحقق به سعادت خارجی و اخروی ممانعت می‌کند.

۴-۳-۳. وابستگی به مادیات

وابستگی به مادیات و حرص از رذائل اخلاقی در عالم ماده است (همو، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ۹۰/۹) و مانع رسیدن جامعه به اتوپیای اقتصادی می‌شود. هرچند دستیابی و استفاده از آن برای زندگی ضروری است اما ملاصدرا وابستگی و چیرگی اکتساب اموال بر نفس، دلبستگی و حب جاه و مال اندوزی و اندوختن طلا و نقره را از تعلقات نفسانی می‌داند که از ابتلائاتی است که ممکن است منجر به ممانعت از نیل به کمال شود (نک: همان، ۱۹۰/۷-۱۸۹ و ۱۹۰؛ همو، اسرالیات و انوار البینات، ۱۵۹؛ همو، المبدأ و المعاد، ۵۰۰) بنابراین به هر میزان که این مدینه در جهت خیرات و فضائل به مرحله اتم خود حرکت کند از این آفات در عرصه اجتماعی مبرا خواهد بود.



۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که صرفاً نمی‌توان ارزیابی پارامترهای موفقیت‌آمیز اقتصادی یک جامعه را بر اساس انباشت ثروت مادی و تجهیز آخرین امکانات فیزیکی دانست. البته این امور شرط لازم برای به سعادت رساندن مدینه هستند ولی کفایت نمی‌کنند. به جای بهره‌گیری از روش کمی و تجربی در پارادایم فکری ملاصدرا در حیطه مسائل اقتصادی، اتخاذ نگرش کیفیت مدارانه زیست اجتماعی کارساز است. از این جهت نظرگاه ملاصدرا کناره‌گیری از زیست ماتریالیستی است و وجوه تشابهی با دیدگاه‌های فراماتریالیستی دارد، که خود پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد. در نتیجه پارامترهای دیگری همچون سعادت‌مندی مادی ابزارانگارانه در جهت سوق به معنویت اخروی و معاد با مدیریت داناترین موجود کائنات (نبی) در اتوپیای اقتصادی واجد اهمیت است. مطابق نظرگاه صدرایی غایت عقل رسیدن به جوهری مجرد ورای عالم طبیعت و ماده است؛ بر این اساس، انسان عقلانی اقتصادی در بالاترین سطح ممکن اتوپیا به تعالی تجردی خواهد رسید. از این‌رو انسان اقتصادی عقلانی و مدیر مدینه (نبی) به سایر نفوس در مراتب پایین‌تر کمک رسانی می‌کند و جامعه را در مسیر اتوپیا هدایت خواهد کرد. شهروندان اتوپیای اقتصادی سعادت‌مندتر، داناتر و معتقدتر نسبت به سایر مدن هستند.

منابع

۱. افلاطون، جمهور، ترجمه: فواد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲. ایواتلو، حبیب‌الله، «تاثیر مبانی هستی‌شناختی و حیانی در طراحی مدینه فاضله صدرایی»، پژوهش‌های هستی‌شناختی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳. آریانپور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.
۴. بیدهندی، محمد؛ هاشم‌پور، آیسودا، «بررسی ظرفیت‌های علم اشتدادی نزد سهروردی و ملاصدرا»، فلسفه و کلام اسلامی، سال پنجاه و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۵. بیدهندی، محمد، «درآمدی بر فلسفه علم وجودی ملاصدرا»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۱، تابستان ۱۳۹۳.
۶. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
۷. دسلر، گری، مبانی مدیریت منابع انسانی، ترجمه: علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
۸. دغیم، سمیح، موسوعه المصطلحات الامام فخرالدین رازی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۱.
۹. رایبیز، استیفن پی، مدیریت رفتار سازمانی، جلد اول، ترجمه دکتر علی پارساییان و دکتر سیدمحمد اعرابی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۰. رحیم‌پور، فروغ السادات؛ زارع، فاطمه، «نقش عقل فعال در مساله نبوت از منظر ابن‌سینا و ملاصدرا»، آموزه‌های فلسفه اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۱. سعدی، حسین علی؛ سعدی، محمود، «مبانی مدینه فاضله مهدوی در اندیشه صدرالمتالهین»، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. صافی، احمد، مدیریت و نوآوری در مدارس، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد ابن ابراهیم، اسرار الایات، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰.
۱۴. -----، تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
۱۵. -----، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، موسسه التاريخ العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۶. -----، سه رساله فلسفی (متشابهات القرآن-المسائل القدسیه-اجوبه المسائل)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۱۷. -----، شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۸. -----، شرح اصول الکافی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۹. -----، شرح و تعلیق صدرالمتالهین بر الهیات شفا، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳.

۲۰. -----، رساله سه اصل، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات مولی، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
۲۱. -----، رساله المشاعر، شرح ملا محمد جعفر لاهیجی، تعلیق و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۲۲. -----، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، (دوره ۹ جلدی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
۲۳. -----، المبدأ و المعاد، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴.
۲۴. -----، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۲۵. -----، مفاتیح الغیب، تحقیق محمد خواجه‌جوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۲۶. فارابی، ابونصر، سیاست مدینه، ترجمه: سیدجعفر سجادی، تهران، ۱۳۵۸.
۲۷. مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بنادر البحار، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران: فقیه، بی تا.
۲۹. مهاجرنیا، محسن، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
۳۰. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۵۹.
۳۱. نادری، ابوالقاسم؛ حیدری کبریتی، طیبه؛ امیری، عبدالرضا، «ارتباط بین سرمایه انسانی و عملکرد سازمانی»: مورد پژوهی شعب شرکت بیمه آسیا، نشریه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۴.
۳۲. هاشمی، سید احمد؛ شریفی، احمد حسین، «بررسی نقش مبانی انسان شناختی صدرالمتألهین در تحلیل مدینه فاضله»، معرفت سیاسی، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
33. Ingleheart, Ronald, *the silent revolution: changing values and political styles Among Western Publics*, Princeton: princeton University press, 1977.
34. Mill, john stuart, "on the definition of political Economy and on the method of investigation proper to it. In essays on same on settled questions of political economy", Toronto, university of Toronto press 1967.
35. Marshall, Alfred, *principes of political economy*, New York, Macmillan, 1890.